



## رهبانیت

### از نظر تاریخ

وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا  
مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ  
رِعَايَتِهَا ...

... دردل پیروان ( واقعی ) وی رأفت و رحمت قرار دادیم ،  
و برای بدست آوردن رضایت خدا « رهبانیتی » را که مقرر نساخته بودیم  
پیش خود قرار دادند ، ولی حدود و شرائط آن را مراعات نکردند . . .  
در شماره پیش درباره « رهبانیت » و ناسازگاری آن با فطرت و عقل مطالبی از نظر  
خوانندگان گرامی گذراندیم ، و روشن شد که ترك دنیا بآن معنی ، با سرشت پاک انسان و حکم  
خرد صد در صد مخالف است ، و خدمات اجتماعی که را هبان پس از اصلاح دیرها و صومعهها ،  
دست به آن زده اند ، مربوط به مسئله « رهبانیت » نیست ، زیرا خدمات و کمک به جامعه و  
بالاخص درماندگان و بیماران « منهای » تجرد و ترك دنیا نیز میسر و ممکن است ، و لازم  
نیست باره بانیت توأم باشد ، چه بسا مردانی بودند که در عین اینکه از لذائذ مباح زندگی  
بهره می گرفتند ، به خدمات بزرگی نیز دست میزدند .

اینکه برخی از تاریخ نویسان مسیحی خدمات اجتماعی راهبان را برخ میکشد و میگوید:  
« یو نقص ترین و نافع ترین کارهای مسیحیت آنهایی بود که بدست فرقه های صومعه نشین صورت  
گرفت ، و به بود اقتصاد عظیمی که در اروپای قرون وسطی صورت گرفت بدست راهبان بوده  
است . . . » ، یکنوع سفسطه و حساب حق و باطل را درهم آمیختن است ، زیرا هرگز لازم نیست ،  
اینگونه خدمات با حالت رهبانیت توأم و هماهنگ باشد ، چه مردان خیر و شایسته ای بودند  
که خدماتی عظیم انجام داده اند ، ولی هرگز راهب نبودند .

از این گذشته، اینگونه خدمات پس از مرور قرونی از تاریخ پیدایش رهبانیت بوجود آمده است، وگرنه، راهبان عصر پیامبر اسلام ریزه خوارند و صدقات بودند، بعدها روی تحولاتی، دست به کشاورزی و صنایع دستی زدند، اولین قدم اصلاحی برای رهبانان این بود که در حدود سال ۱۰۳۹ میلادی «گولبرتوس» فرقه‌ای را در دره مشجر بنام «والومبروزا» در ایتالیا به همین نام تأسیس نمود، و مقرر داشت که افرادی بتوانند در عین اشتغال بکارهای دستی، بحلقه رهبانان درآیند و در پرتو این اصلاح، راهبان از دیویزگی و تکدی بیرون آمدند (۱)

بنابراین نکوهش قرآن و بیانات پیشوایان اسلام بیشتر ناظر به رهبانیت قرون وسطی است، که صد در صد با فطرت انسانی و حکم صحیح خرد مخالف بود، اگر چه پس از این همه اصلاحات هنوز در فرقه‌های رهبانیت، نقاط ضعف فراوانی وجود دارد که خدمات اجتماعی، قیافه بدو شد فطری آنرا پوشانیده است اینک برای مزید توضیح به اوضاع راهبان قرون وسطی اشاره مینمائیم:

دسته‌مهمی از آنها فقر و گدائی را بر خود ضروری میدانستند، لازم بود از خوردن هر نوع گوشت احتراز بجویند. به فرا گرفتن علم تشویق نمیشدند، سرودن شعر ممنوع بود، آنها مکلف بودند که از پوشیدن البسه مجلل مذهبی، یا بکار بردن ظروف اعلی و یا اجتماع در اماکن باشکوه خودداری کنند (۲)

**طرز ساختمان دیرهایی که راهبان در آنجا بطور دسته‌جمعی زندگی میکردند:**  
ساختمان دیرها بنائی بود مشتمل بر یک نمازخانه و محل برای غذا خوردن که زیر سقف واحدی قرار داشت، و قسمت بالای آن خوابگاه بود که بوسیله نردبانی پیاپی متصل میشد جای خواب هر فرد عبارت از جعبه‌ای چوبی بود که کف آنرا با برك درختان مفروش ساخته بودند پنجره‌های اینگونه دیرها از سر انسان بزرگتر نبود و کف آنرا زمین خالی تشکیل میداد، خوراک رهبانان منحصر از گیاهان بود و گاهی از ماهی استفاده میکردند و در بساط آنها گندم و ادویه دیده نمیشد (۳)

### زندگی يك راهب

«برنارد» یکی از راهبان معروف اروپاست، او در نزدیکی «دیزون» سال ۱۰۹۱ م

(۱) تاریخ ویل دورانت ۱۱ ص ۴۰۶

(۲) همان کتاب ص ۴۰۷

(۳) تاریخ ویل دورانت ۱۱ ص ۲۰۹

با بفرصه وجود نهاد اودردوران جوانی به رهبانیت گروید ، وبعالیترین مرحله ریاضت رسید ، انقدر روزه میگرفت که پیرارشدهش « سیمتو » مجبور بود بوی امر کند که روزه خود را بشکند ، مدت سی و هشت سال تمام در حجره کوچک و تنگی زندگی کرد که دارای بستری از کاه بود و تمام نشیمن او صخره ای دردبواری بود ، اودستهای خود را بر روی چشمان خود می نهاد تا مبادا دیدگانش از رؤیت دریاچه سویس زیاد از حد بدرك لذت نفسانی نائل آید (۱)

اینها يك سلسله از تعالیم عالیه ا مسیحیتی است که رهبانیت را از اصول آئین خود میداند با این اوضاع واحوال آیا این آئین میتواند ، يك آئین جهانی باشد ؟ آئینی باشد که بندهای فطرت پاک انسانی پاسخ بگوید ؟

### چگونه رهبانیت در آئین مسیح پدید آمد ؟

باتوجه به جمله « **الا ابتغاء رضوان الله** » (۲) بدست میآید که نظر پایه گذاران رهبانیت در آغاز کار ، بدست آوردن رضایت خدا بود ، زیرا رهبانیت در حقیقت يك نوع عهد و نذر ، و عقد و پیمانی با خدا بود ، که راهب جان و تن را بر عبادت وقف کند ، ولی بعدها به شرائط این پیمان وفادار نبوده و تخلفهایی زیاد دیده میشد .

این حقیقت معجز را ( منظور کسب رضایت بود ) روایات توضیح بیشتری میدهند ، و ابن مسعود ، از پیامبر اسلام نقل میکند :

روزگاری پس از حضرت مسیح ، زمامداران بر مردم مسلط شده و آتش نیرد میان آنها و مؤمنان شعله ور گردید ، وعده زیادی از مردان با ایمان کشته شدند ، و اقلیت ناچیز احساس کردند که اگر در برابر آنها ، بیش از این مقاومت نمایند ، همه آنها نیز کشته شده و در نتیجه آئین مسیح منقرض میشود ، برای جلوگیری از انقراض ، به غارها پناهنده شده و در انتظار پناهبری که مسیح از طلوع آن خبر داده بود بسر بردند (۳)

تاریخ از این ستمگر « **دیسوس** » رومی نام میبرد که دسته زیادی را کشت ، و گروهی

به کوهها و صومعهها پناه بردند ولی بر اثر مرور زمانی فکر « **رهبانیت** » پدید آمد (۴)

روایتی که ابن مسعود از پیامبر نقل میکند ، اساس کار آنها را تحسین میکند و آن این که آندسته برای حفظ آئین خدا ، دار و دیار را ترك نموده و رهسپار کوهها و غارها شدند و قرآن نیز آغاز و هدف آنها را در باره انزوا از اجتماع میستاید و میگوید : نظر آنها از پناهنده گی به بیغولها

(۱) تاریخ ویل دورانت ۱۱ ص ۴۱۱-۴۱۲

(۲) باید توجه داشت که استثناء منقطع است و جمله ای مانند : ( **ما ابتدعوا الا** )

در تقدیر است .

(۴) دائرة المعارف وجدی ۳ ص ۲۹۷

(۳) مجمع البیان ۹ ص ۲۴۳

کسب رضاء خدا بوده است چنانکه میفرماید: «**ابتغاء رضوان الله**»: (کسب رضاء خداوند) بنا بر این رهبانیت بمعنای انزوا از اجتماع، منظور دیگری بوده و آن حفظ آئین مسیح و جلوگیری از انقراض شریعت آنحضرت بوده است، زیرا در آن روز حفظ آئین جز در سایه انزوا و گوشه گیری امکان نداشته است ولی اینکار که در آن روز در شرائط خاصی برای حفظ آئین بوده، کم کم بصورت دیگری درآمد و آن اینکه دسته ای از بشر در هر شرائط و در تمام امکانها و ازمنه، از اجتماع بیرون رفته و جان و تن را در پیغوله ها وقف بر عبادت سازند!

### راهبان پیمان شکن

ورود به دیر و صومعه یک نوع عهد و پیمان با خدا بود که از گناهان بپرهیزند، و خود را وقف بر طاعت نمایند ولی بیشتر آنها اصولی را که متعهد شده بودند زیر پا می نهادند و به تعبیر قرآن «**فَمَارَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا**» پیمان شکنی و زیر پا نهادن شرائط این پیمان بمعنای وسیعی دارد که روایات و تاریخ به برخی از آن اشاره نموده اند.

ابن مسعود از پیامبر نقل میکند: که از جمله پیمان شکنان کسانی هستند که بمن ایمان نیاورده و نبوت مرا تصدیق نکردند، آنان برای حفظ آئین مسیح بنهارها پناه برده و در انتظار آئین من بسر میبردند و با خدا پیمان بسته بودند که گرد گناه و سرکشی نگردند، چه گناهی بالاتر از تکذیب قول پیامبر آسمانی است؟ (۱)

مصادیق دیگر این معنای وسیع (زیر پا نهادن شرائط نذر) همان بی عفتیهای است که در میان راهب ها و راهبه ها بوده و هست، دسته ای که حیوانات ماده را به دیر راه نمیدادند که میبادهوس ازدواج در مغز آنها پدید آید، ناگهان آنچنان پرده را دریده و مرزها را شکستند که **دروپوتر**، می نویسد: من تنها در سال ۱۵۶۳ به ۱۲۰ دیر سر زدم در مجموع آنها ۴۲۶ راهب و ۱۶۰ راهبه و ۱۹۹۰ کنیز و ۵۵ زن شوهر دار و ۴۴۳ کودک دیدم (دقت کنید این کودکان قانونی ۱۱ راجع به کسانی است که با خدا پیمان بسته بودند که تادم مرگ ازدواج نکنند) سپس مینویسد: من اگر اوضاع دیرها را بگویم شما تصور خواهید نمود که من از اماکن فساد و در باره زنان آلوده سخن میگویم در صورتی که من در باره دختران پاکدامن که برای عبادت خدا باین نقطه مقدس آمده اند سخن میگویم، ولی متأسفم که دیرهای مذهبی امروز بصورت مجامع آلوده در آمده و یک مشت جوان بی بند و بار که جز اشباع غریزه جنسی هدفی ندارند، در آنجا گرد می آیند!

این وضع اسفناک منحصر باین قرن نیست بلکه در تمام قرون، بی عفتیهای زیادی در میان راهبه ها و راهبها وجود داشته است، و برای جلوگیری از این کارها سران دیرها تصویب کرده اند

(۱) مجمع البیان ص ۲۴۳ (۲) دائرة المعارف و جدی ص ۴ س ۲۹۷

که « مرتکبین » را دونیم کنند ، و یا باهم زنده بخاک بپارند (۱) غالباً راهبه‌ها را آن دسته تشکیل میداد که شوهران و پسران ، از آنها ، دل‌خوشی نداشتند ، و آنها را بیکی از این دیرها روانه میکردند ، و در سال (۴۵۸) امپراتور « مائوریان » از ورود اجباری دوشیزگانی که در خانه مانده بودند جلوگیری کرد ، و اکثراً اینگونه رهبانیت که بزور و اجبار بود ، همان هرزگیهای زیادی است که در طی قرون گذشته از آنها مشاهده میشده است ، تا آنجا که سراسقفها ، اسقفان و کشیشان و پیران دیر را مامور کرد که راهبه‌ها را از اعمال منافی عفت بازدارد ، و اسقف شارتر (۱۱۱۵-۱۰۳۵) اطلاع داد که راهبه‌های صومعه « سن فارا » به حشاه اشتغال دارند « پاپ اینوسال » سوم ، صومعه « سن آتاتا » را فاحشه خانه ای توصیف کرد که تمامی ناحیه اطراف را بایی عصمتی و بدنامی خود ملوث ساخته است و اسقف روان (۱۲۴۹) صومعه‌ای را تعریف میکند که در میان ۳۳ زن راهبه هشت نفر آلوده به فحشاه بوده و رئیس دیر تقریباً هر شب مست بوده (۲)

اینگونه گرایش به فحشاه معلول انحراف از سنت فطری انسانی است که ایجاب میکند انسان باید غریزه جنسی خود را از طریق مشروع اشباع کند و اگر تارکان دنیا فرضاً نتوانند در محیط دیر خود را پاک نگاهدارند ولی در خارج آن آلودگی فراوانی خواهند داشت ، علاوه بر این مدت‌ها صومعه‌ها مرکز ثقل سیاست ، و زد و بندهای سیاسی بود که شرح آن از حوصله مقاله ما بیرونست .

### نکته قابل توجه

در آیه مورد بحث پیروان حضرت مسیح را مردان رؤف و مهربان معرفی کرده است ، و این

حقیقت را نیز در آیه زیر متذکر میباشد « **وَلتجدن اقر بهم مودة للذین آمنوا الذین**

**قالوا انا نصاری** ( مائده ۸۲ ) : نزدیکترین افراد برای مردان با ایمان نصاری هستند ،

و این مطلب درباره نصاری حبشه و نجران برای مسلمانان صدر اسلام شاهد بود ، و تعالیم عالی مسیح نیز طوریست که این مطلب را ایجاب میکند ، ولی باید توجه داشت که این صفت عالی انسانی مال پیروان واقعی مسیح هست ، نه مسیحیان جغرافیائی که بزبان مسیحی هستند ، و در باطن بهیچ اساس و مبدئی عقیده ندارند ، و تحت لوای آئین مسیح حزبی تشکیل داده‌اند که مملتهای ضعیف را بزنجیر بسته و آنها را استثمار کنند . . . . . و بقول معروف « **تو خود حدیث**

**مفصل بخوان از این مجمل .**

(۱) دائرة المعارف وجدی نقل از دائرة المعارف لاروس ص ۳۸۷

(۲) تاریخ ویل دوران ۱۱ ص ۴۴۳